

## چرا هیچ کس جیک نمی زند؟

فوریه ۱۹۹۵ در میدان اشتروس مایر زاگرب (پایتخت و بزرگ‌ترین شهر کرواسی)، مردم شاهد قطع درختان افرای پرشماری بودند که به دست مردان یونیفرم‌پوش انجام می‌گرفت. نویسنده ای مشهور در مورد این لحظه تاریخی نوشته است: طبعاً درختان افرا نمی‌توانستند از خودشان دفاع کنند و این تنها انسان‌های دیگر بودند که می‌توانستند از آن‌ها دفاع کنند. .. آن‌چه آن صبح زمستان رخ داد این بود که گروهی از شهروندان شاهد یک کشتار جمعی بودند و قدم از قدم برنداشتند ... مردم بی حرکت و ساکت ایستادند. نویسنده در کتابش به ریشه‌های این پرسش می‌پردازد: «چرا هیچکس کاری نکرد؟»

تا دو روز بعد هیچکس از مقامات توضیحی در خصوص این قتل عام نمی‌دهد. پس از ۲ روز شهردار اعلام می‌کند که درختان پیر و آفت‌زده بودند و ممکن بوده با برف یا طوفان بعدی از میان جمعیت انبوه میدان قربانی بگیرد. توضیح معقول بود. تنها اشکال کار این بود که دو روز پس از انجام کار یادشان افتاد توضیح دهند! هیچکس این واقعه را توهینی جدی به خودش تلقی نکرد.

بعدتر مشخص شد که این تصمیم بر اساس برنامه‌ای کارشناسی‌شده در چند سال پیش گرفته شده بوده و به دلیل کمبود منابع مالی برای مدتی به تعویق افتاده بود. «این طرح، خیلی محرمانه نبود. ولی دولتمردان صرفاً عادت نداشتند هیچ شکلی از گفتگوی عمومی را راه بیاندازند، حتی میان متخصصان!» کسی هم از آن‌ها پاسخ نمی‌خواست.

مسوولان هنوز متوجه مفهوم دموکراسی نشده بودند. آنها فکر می‌کردند دموکراسی یعنی انتخابات و بس. حتی شهروندان هم طوری رفتار می‌کردند که

انگار هیچ حقی در مورد تصمیمات کشور ندارند. افرادی را انتخاب می کنند و بعد هم می روند پی کارشان تا انتخابات بعدی (برگرفته از دکتر امیر ناظمی)

### تحلیل و تجویز راهبردی:

دموکراسی یک رخداد نیست که بشود آن را در «انتخابات» خلاصه کرد. دموکراسی یک فرهنگ و فرآیند است. بگذارید بیشتر توضیح دهم. دموکراسی، چهار حلقه به هم متصل است: انتخاب مردمی، مشورت مردمی، نظارت مردمی و کنارگذاری مردمی. اگر دموکراسی (مردم‌سالاری) را فقط در انتخاب مردمی محدود کنیم، هیچ‌گاه دموکراسی به تمامی محقق نخواهد شد.

۱- انتخاب مردمی: مسوولیت‌ها باید توسط مردم، به صورت مستقیم و غیرمستقیم، به افراد واگذار شود. تمام مسوولین باید احساس کنند که منصوب یا منتخب مردم هستند و در نتیجه همه باید پاسخگو باشند.

۲- مشارکت مردمی: مردم حق دارند در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشارکت کنند و به مسوولین مشورت دهند. استفاده از تشکلهای سازمان یافته مردمی و نظام‌های حرفه‌ای-صنفاً یکی از بهترین راه‌هاست. هیچ کدام از کارگزاران و مدیران و منتخبان عقل کل نیستند.

۳- نظارت مردمی: مردم حق دارند علاوه بر انتخاب، مشورت و مشارکت، بر عملکرد مسوولین نظارت وسیع داشته باشند. پرسشگری حق مسلم ماست.

۴- کنارگذاری مردمی: اگر بعد از نظارت به‌این جمع‌بندی برسند که فرد مسوول برای سمت خود مناسب نیست، مردم حق دارند که درخواست کنارگذاری بدهند. هیچکس از مقامات کشور نباید احساس مصونیت کند.

کشورداری مبتنی بر دموکراسی یعنی در جریان قرار گرفتن عموم مردم، توضیح خواستن، توضیح شنیدن، مشورت دادن و مشورت پذیرفتن. در ابتدای دولت یازدهم همراه با دبیر هیات دولت طرحی را راه انداختیم مبنی بر اینکه هر مصوبه ای که به هیات دولت فرستاده می شود زودتر در معرض عموم قرار گیرد تا مردم، کارشناسان و ذینفعان نظر بدهند. کار را نیز آغاز کردیم اما ... هنوز ناامید نیستم این ایده را در جایی دیگر پی خواهیم گرفت.

پیشنهاد به کارگزاران و مدیران ارشد: دوران کشورداری سنتی گذشته است. این که فکر کنیم عده ای پشت درهای بسته برای بقیه تصمیم می گیرند هم ناکارآمد است و هم منسوخ. کشورداری به شیوه کدخدایان دیگر برای عصر شبکه ای که دانش و خرد توزیع شده است، مناسب نیست. فضا را فراهم کنیم برای آن که بشود از جامعه نظر خواست و این کار را نیز تشریفاتی انجام ندهیم.

پیشنهاد به شهروندان: حق دادنی نیست. آموختنی و گرفتنی است. بخش بزرگی از مساله هم خود ماییم. خود ماییم که می گوییم: اموال دولتی، تصمیمات دولتی، بودجه دولتی، دانشگاه دولتی. پشت هر مفهومی یک دولتی اضافه می کنیم و خیال خودمان را راحت می کنیم. به جایش بگوییم: بودجه عمومی، دانشگاه عمومی، اموال عمومی، تصمیمات عمومی. این ها همه متعلق به ماست. دولت و حکومت هر چه می کنند به نیابت از ماست. «پاسخ گویی مسوولانه» کارگزاران خود به خود آغاز نمی شود از «پاسخ خواهی هوشمندانه و مجدانه» ما آغاز می شود. در ضمن فکر نکنیم که دموکراسی فقط محدود به

کشور است، دموکراسی را باید از خانه آغاز کرد و در مدرسه، اداره، شرکت، شهر و استان تداوم داد و تمرین کرد. همه ما در کشورداری سهیم، نقش آفرین و مسوول هستیم.

مجتبی لشکرلوکی